

فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

سال دوازدهم، شماره دوم، پیاپی (۴۱)، تابستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۳۱

صص ۱-۳۰

بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در خانواده فصلی

باقر ساروخانی^{۱*}، یگانه مشیدی^۲، محمد صادق مهدوی^۳

۱- استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۲- دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

۳- استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

چکیده

این پژوهش به بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در خانواده‌های فصلی، با استفاده از پرسشنامه کتبی و روش تمام شمار، در فاصله زمانی آذرماه ۱۳۸۹ و در ادامه شهریور ۱۳۹۶ در بین زنان پرسنل دریایی شرکت ملی نفتکش ایران انجام شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات در سطح آمار توصیفی و استنباطی ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که محقق رده‌بندی روشنی از چالش‌ها و آسیب‌های تهدیدکننده سلامت خانواده‌های فصلی و امتیازات ویژه زنان در این ساختار و همچنین چهارچوبی از سبک زندگی دوگانه خانواده فصلی را مشخص نموده است.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، دریانورد، خانواده‌های فصلی، آسیب اجتماعی.

مقدمه و بیان مسأله

بررسی جامعه شناختی خانواده‌های فصلی^۱، به‌ویژه خانواده‌های نوین فصلی، از سابقه طولانی برخوردار نیست و به جهت نو بودن آثار علمی چندانی پیرامون آن وجود ندارد. حضور و عدم حضور دریاورد به عنوان شوهر و پدر خانواده، به‌وجودآورنده دو دوره زمانی متمایز در حیات اجتماعی خانواده است. از هر دوره به عنوان یک فصل یاد خواهد شد، خانواده‌ای که تحت این شرایط زندگی می‌کنند به عنوان خانواده فصلی مطرح هستند.

زنانی که همسرانشان دریاورد است نیمی از زندگی زناشویی خود را با عدم حضور شوهر در محیط اجتماعی و خانواده به دلیل شرایط کاری دریاورد سپری می‌کنند، در نتیجه نقشی فراتر از نقش مادری و همسری بر عهده این گروه از زنان در خانواده فصلی است. این پژوهش با توجه به این مطلب که زن در طول زندگی خانوادگی خود موظف به ارائه نقش زنانگی-همسری-و مادری است به بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در اینگونه خانواده‌ها می‌پردازد. چهارچوب نظری در تحقیق حاضر بر پایه تلفیقی از نظریات "جرج گاسپار هومنز و امیل دورکیم و همچنین تالکوت پارسونز است. به منظور عملیاتی کردن آسیب‌های اجتماعی و امکان سنجش ابعاد آن، شاخص‌هایی در طیف لیکرت در نظر گرفته شده است. اطلاعات این پژوهش در فاصله زمانی فروردین ماه ۱۳۸۹ تا آذرماه ۱۳۸۹ و در ادامه بهمن ماه ۱۳۹۵ تا شهریور ۱۳۹۶ در بین زنان پرسنل دریایی که دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند و بیش از ۲ سال از زندگی مشترک آنها می‌گذشته است با بهره‌گیری از پرسشنامه کتبی و روش تمام شماری جمع‌آوری گردیده است و تجزیه و تحلیل اطلاعات در سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفته است. محقق با استنباط بر یافته‌های پژوهشی توانسته است رده بندی روشنی از چالش‌ها و آسیب‌های تهدید کننده سلامت خانواده‌های فصلی و امتیازات ویژه زنان در این ساختار و همچنین چهارچوبی از سبک زندگی دوگانه خانواده فصلی را مشخص نماید و راهکارهایی در جهت روشن تر نمودن چشم‌انداز آینده این گروه اجتماعی ارائه نماید.

۱ حضور و عدم حضور دریاورد به عنوان شوهر و پدر خانواده، به‌وجودآورنده دو دوره زمانی متمایز در حیات اجتماعی خانواده است. از هر دوره به عنوان یک فصل یاد خواهد شد، خانواده‌ای که با این شرایط زندگی می‌کنند به عنوان خانواده فصلی مطرح هستند.

بنابر تعاریف خانواده یک گروه اجتماعی خاص است: یک گروه اجتماعی با روابط طولانی و زمان دار، در حالی که دیگر گروه‌های اجتماعی پیوستگی روابطشان در موازات واحد زمان تعریف شده است. همچنین خانواده، کارکردهای مشخصی از این گروه اجتماعی خاص مورد انتظار است، حال آنکه در خانواده فصلی به دلیل گستردگی حضور یکی از ارکان اصلی خانواده با شکل متفاوتی از کارکردها-تعاملات و ارائه نقش‌ها توسط زن و شوهر روبرو هستیم. در زمان نبود همسر معمولاً زن مجبور به ایفای نقش‌هایی می‌شود که در جامعه امروزی به عنوان نقش‌های مردانه کلیشه بندی شده‌اند و متعاقب اینگونه مسئولیت‌پذیری‌ها درگیری با مسائل مردانه جامعه ناگزیر خواهد بود، دامنه اثرات روحی-جسمی-روانی-اینگونه تجارب اجتماعی قطعاً خانواده را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

خانواده فصلی با چالش‌های بسیاری روبروست، تغییر تنش و جایگاه زنان-افزایش میزان طلاق-کاهش میزان ازدواج-تغییر نگاه به نقش همسر-دوگانگی در مرکزیت تصمیم‌گیری خانواده-نا مشخصی اقتدار-نگاه جامعه به نقش آفرینی جنسیتی زنان-ثابت نبودن و نامشخصی الگوی تعاملی زن در خانواده در هر یک از فصول زندگی در برابر همسر و فرزندان، هویت یابی و جامعه‌پذیری زنان و فرزندان و به مجموعه‌ای از نقش‌های معارض انجامیده است.

"ارضای حس مادر شدن" برای زنان در خانواده فصلی به عواملی که متأثر از اینگونه شرایط زندگی است، وابستگی کامل دارد. تعداد فرزندان-کنترل موالید-سن فرزندآوری-زمان فرزندآوری-تعداد فرزندان-مشکلات روحی و روانی فرزندان به دلیل دوری از پدر-از جمله دغدغه‌های دائمی یک همسر دریانورد است. دنیای نوین امروز و شرایط شغلی متفاوت مردان و زنان طبقه بندی انواع خانواده‌ها از نظر جامعه‌شناسان را دچار دگرگونی و چالش نموده است. مطرح شدن نوع جدید «خانواده فصلی» نمونه بارز این مطلب است.

بازشناسی و کشف نکات مثبت و منفی زندگی این گروه می‌تواند فرصت‌های فراموش شده را برای خانواده‌ها یادآوری بنماید و در پی آن شاهد ارتقای سطح کیفی روابط درونی خانواده‌ها و کاهش مشکلات و آسیب‌های اجتماعی خواهیم بود. ایجاد گردش نامناسب بازگشت نیروی تعلیم دیده دریایی به دفاتر اداری مستقر در خشکی به دلیل مشکلات

خانوادگی، هر ساله ضرر قابل توجهی ارزی-تخصصی را متوجه شرکت‌هایی می‌کند که مجریان حمل و نقل دریایی در کشورند^۱. عملکرد صحیح و توانای زنان در چهارچوب نظام خانوادگی به تعاملات سازنده و قوی تمامی افراد در خانواده فصلی خواهد انجامید، و می‌تواند به میزان قابل توجهی بازتاب چالش‌ها و معضلات وابسته به شرایط کاری دریاورد را کمرنگ نماید. ضمن آنکه آرامش و سلامت اجتماعی خانواده‌ها تضمین‌کننده آرامش و سلامت جامعه خواهد بود. آشنایی با سبک زندگی دو گانه در خانواده‌های فصلی راهکار برون رفت از چالش‌هایی است که این گروه اجتماعی با آن دست به گریبانند.

مبانی و چهارچوب نظری تحقیق

مفهوم سبک زندگی به عنوان یکی از اصطلاحات علوم اجتماعی، پیوند مستقیم و وثیقی با مجموعه‌ای از مفاهیم دارد؛ مفاهیمی مانند: عینیت و ذهنیت، فرهنگ و جامعه، فرهنگ عینی و ذهنی، صورت (شکل و محتوا)، رفتار و معنا (نگرش، ارزش و هنجار)، اخلاق و ایدئولوژی، سنت و نوگرایی، شخصیت و هویت (فردی و جمعی)، وراثت و محیط، فردیت و عمومیت، خلاقیت و بازتولید، تولید و مصرف، طبقه و قشر (بندی) اجتماعی، زیبایی‌شناسی (سلیقه) و نیاز، منزلت و مشروعیت. و بدون شناخت این روابط، درک درستی از سبک زندگی و نظریه‌های مربوط به آن به دست نخواهد آمد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۰۰). وقتی از سبک زندگی صحبت می‌کنیم، همواره مفهومی از آزادی انتخاب را نیز مد نظر داریم زیرا بدون آن، سبک زندگی معنای خود را از دست می‌دهد- همان طور که دموکراسی تک حزبی ممکن نیست.

در دانش جامعه‌شناسی، سبک زندگی یکی از اصطلاحات پر کاربرد است که ردپای آن را می‌توان تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک دنبال کرد. جامعه‌شناسانی چون زیمل (۱۳۷۲ و ۱۳۷۳)، وبر (۱۳۸۷)، و بلبن (۱۳۸۶) بحث‌هایی را طرح کردند که در کارهای گیدنز (۱۳۸۸) و به‌ویژه در اثر شاخص بوردیو (۱۳۹۰) به اوج رسید. ما برای تمرکز بر بحث، افکار سه نظریه‌پرداز را به شکلی موجز بیان می‌شود.

۱ شرکت ملی نفتکش ایران-کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران-همه شرکت‌های خصوصی و نیمه خصوصی حمل و نقل دریایی

ماکس وبر ذیل مفهوم موقعیت منزلتی، از سبک زندگی سخن گفت. از نظر وبر، گروه‌های منزلتی، برخلاف طبقات، نوعی جماعت هستند، اما جماعتی بی‌شکل. برای ایجاد تمایز میان موقعیت طبقاتی، که منحصرأ از طریق اقتصاد تعیین می‌شود، هر جزء از سرنوشت انسان‌ها را که از طریق ارزیابی مثبت یا منفی از حیثیت اجتماعی تعیین می‌شود، موقعیت منزلتی می‌نامیم ... حیثیت اجتماعی از نظر محتوا معمولاً در این واقعیت تجلی می‌یابد که از تمام کسانی که می‌خواهند به جمع و گروه خاصی تعلق داشته باشند، قبل از هر چیز انتظار می‌رود که سبک زندگی خاصی را دنبال کنند (وبر، ۱۳۸۷: ۲۱۵-۲۱۴).

بورديو جامعه‌شناسی است که بحث تلقی وبری از سبک زندگی را به اوج رساند. به‌نظر فاضلی، منسجم‌ترین بحث درباره مفهوم سبک زندگی و مصرف فرهنگی توسط بورديو ارائه شده است. او مصرف را مهم‌ترین عنصر دنیای مدرن در نظر می‌گیرد. به باور وی، گروه‌های زیردست و فرادست طبقه متوسط درگیر مبارزه‌ای ملایم برای هویت، ارزش و موقعیت اجتماعی خودشان هستند و مصرف ابزاری برای تولید فرهنگی و مشروعیت‌سازی و مبارزه در فضای اجتماعی است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۴).

نظریه مصرف بورديو از طریق رابطه متقابل دو مفهوم عادت‌واره و میدان عمل اجتماعی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. عادت‌واره که شامل سلیقه‌ها و ذائقه‌های افراد است، بعد عاملیتی عمل اجتماعی را پررنگ و بر آن تأکید می‌کند. در مقابل میدان شامل ساختارهای از پیش موجود و در حال شکل‌گیری است، که شامل انواع سرمایه در تملک افراد می‌شود. بورديو به کمک مفهوم‌های عادت‌واره و میدان و اجزای درونی آن‌ها، طبقه‌ها و پاره‌طبقه‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند و یک ساختار چندوجهی از جامعه را به تصویر می‌کشد. شالوده این دستگاه فکری، مفهوم سبک زندگی است (رحمتی و بخشی، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

خلاصه دیدگاه بورديو این است که افراد و گروه‌ها در یک جامعه دارای موقعیت‌های متفاوت و متمایزی هستند (وضع یا فضای اجتماعی). فرد یا گروه با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن، یک نظام طبقه‌بندی اجتماعی را در ذهن خود پدید می‌آورند. این نظام، مجموعه‌ای از ترجیحات و انتخاب‌ها (سلیقه) را در ذهن فرد یا افراد تولید می‌کند که معنا (ارزش)‌های‌شان از خلال روابط و تضادها درک می‌شود. به عبارت دیگر، معنای‌شان ذاتی

نیست، بلکه رابطه‌ای است. این ترجیحات و انتخاب‌ها وقتی در محدوده توانایی‌ها (یا همان سرمایه) اقتصادی و نمادین در قالب کنش و دارایی‌ها بروز می‌یابد، سبک‌های زندگی متمایزی پدید می‌آورد و به بیان دیگر، نظام اجتماعی بازتولید می‌شود. بورديو این تفاوت‌ها و تمایزها را در قالب نظام طبقاتی و نزاع بر سر فرهنگ مشروع قابل فهم می‌داند. به این ترتیب، سبک زندگی اولاً فرصتی است که برای تجربه یا اثبات موقعیت فرد در فضای اجتماعی که معمولاً در قالب فاصله‌هایی که در مورد فرد و شئون او محفوظ داشته می‌شود یا رتبه او که تأیید می‌شود خود را نشان می‌دهد و ثانیاً سبک زندگی حاصل نظام طبقه‌بندی اجتماعی است، نظامی که به طور مستمر ضرورت‌ها را به راهبردها تغییر شکل می‌دهد و آن‌ها را به ترجیحاتی بدل می‌کند که فرد بدون آن که تحمیلی حس کند، آن‌ها را به عنوان گزینه‌هایی پیش روی خود تلقی می‌کند. این گزینه‌ها، همان سبک‌های زندگی است (نوابخش، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۳).

در کنار سبک زندگی از یک فرایند نام می‌برد که با فاصله گرفتن از ضرورت‌ها و نیازهای زندگی یا به عبارتی بالا رفتن از سلسله مراتب اجتماعی، آغاز شده و پررنگ‌تر می‌شود. و بر نام این فرایند را "سبک‌دهی به زندگی" گذاشته است. طی این فرایند، فرد فرصت آن را می‌یابد که هرچه بیشتر به فعالیت‌ها و دارایی‌های خود جهت و سازمان معینی ببخشد. به بیانی روشن‌تر، با توجه به این که نیازهای فرد برآورده شده، او فرصتی یافته است تا به نتایج و کارکردهای فعالیت‌ها و دارایی‌های خود کمتر بیندیشد و مانند یک هنرمند در فکر لذت بردن از نظم و تناسب‌گزينش شده آن‌ها باشد (نوابخش، ۱۳۹۳: ۵۴).

اما گیدنز به گونه دیگری به مفهوم سبک یا شیوه زندگی می‌نگرد. نگرش او نگرشی فردی‌تر از بورديو است. به زعم گیدنز، شیوه زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد، چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است، و در عمل نه فقط از نسل گذشته تحویل گرفته نمی‌شود، بلکه پذیرفته می‌شود. شیوه‌های زندگی به صورت عملکردهای روزمره درمی‌آیند، عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار، و محیط‌های مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند. ولی این امور روزمره، در پرتو ماهیت متحرک هویت شخصی، به طرزی بازتابی در برابر تغییرات احتمالی باز و پذیرا هستند. هر یک از تصمیم‌گیری‌های کوچک شخصی در زندگی روزانه - چه پوشش، چه

بخورم، در محیط کار چگونه رفتار کنم، پس از پایان کار با چه کسی ملاقات کنم - همه و همه در تعیین و تنظیم امور روزمره مشارکت دارند. همه این گونه انتخاب‌ها (و همچنین انتخاب‌های مهم‌تر و سرنوشت‌سازتر) تصمیم‌گیری‌هایی هستند که ما نه فقط درباره‌ی چگونه عمل کردن بلکه درباره‌ی چگونه بودن خویش به مرحله‌ی اجرا می‌گذاریم (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

گیدنز که عاملیت انسان را بیش از بوردیو برجسته می‌سازد، بحث از شیوه‌های زندگی را به اصطلاح سیاست زندگی می‌رساند. سیاست زندگی، به عنوان مجموعه‌ی کاملاً متمایزی از مشکلات و امکانات، تنها به موازات استوار شدن دوره‌ی اخیر تجدد سربرمی‌آورد. سیاست زندگی در وجوه اساسی خود معطوف به تغییرات احتمالی در آینده‌ای دوردست است: به-خصوص، پدید آمدن صورت‌های دیگری از نظم اجتماعی در آن روی دیگر خود تجدد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۳۰۰).

سیاست زندگی یعنی سیاست تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی. مؤلفه‌های سیاست زندگی عبارتند از: ۱- تصمیم‌گیری‌های سیاسی بر اساس آزادی انتخاب و قدرت زاینده (قدرت به عنوان توانایی دگرگون‌سازی). ۲- ایجاد شکل‌هایی از زندگی که اخلاقاً توجیه پذیر باشد و موجبات متحقق ساختن خویشتن را در متن وابستگی‌های متقابل جهانی فراهم آورند. ۳- توسعه‌ی اخلاقیات مربوط به موضوع "چگونه باید زندگی کنیم؟" در نوعی نظم اجتماعی مابعد سنتی و در زمینه‌ی پرسش‌های وجودی (گیدنز، ۱۳۸۸: ۳۰۱).

در جریان کندوکاو این اندیشه که "شخصی یعنی سیاسی"، مشخص می‌شود که جنبش دانشجویی، و بیشتر از آن، نهضت زنان، در واقع پیشگامان این جنبه از سیاست زندگی بوده‌اند. نهضت زنان را می‌توان تا حدی نزدیک‌تر به اهداف سیاست زندگی دانست - گو این که در این مورد نیز اندیشه‌ی رهایی‌بخش همچنان ستون اصلی نهضت را تشکیل می‌دهد. نهضت زنان، دست کم به صورت کنونی خود، کم و بیش ناچار بوده است مسئله‌ی هویت شخصی را در اولویت قرار دهد: زنانی که می‌خواهند چیزی بیش از زندگی خانوادگی داشته باشند، با هر یک گامی که از خانه دورتر می‌شوند در واقع به نوعی سیاست شخصی روی می‌آورند. هرچه زنان بیشتر "از خانه خارج شوند"، بیشتر در فرایندهای رهایی‌بخش مشارکت خواهند جست. با این حال، متولیان نهضت به‌زودی متوجه شدند که برای زن رهایی‌یافته، مسائل هویتی بیش از

پیش اهمیت می‌یابد. زیرا، زنان پس از آن که خود را از محدوده خانه، و از فرمانبرداری محض، آزاد ساختند متوجه شدند که به محیط اجتماعی کاملاً بسته‌ای پای گذاشته‌اند. هویت زنان تا آن زمان به طور مطلق بر حسب خانه و خانواده‌ای معین می‌شد که حالا از آن "خارج شده بودند" تا به اجتماع وارد شوند. اما در این اجتماع، هویت‌های موجود فقط همان‌هایی بود که طبق سنت‌های مرسوم منحصرأ به مردان تعلق می‌گرفت (گیدنز، ۱۳۸۸: ۳۰۳-۳۰۲).

زنان و سبک زندگی

اکنون می‌توان به طور خلاصه به دلالت‌های نظریات سبک زندگی برای پژوهش خود اشاره کنیم. این دلالت‌ها عبارتند از:

۱- اگرچه سبک زندگی جدای از اقتصاد معنا می‌یابد، اما در کلیت، و در طول زمان، همبستگی‌های مشهودی با اقتصاد می‌یابد.

۲- وبر، بوردیو و گیدنز هر سه به عامل آزادی انتخاب در سبک زندگی توجه دارند. حتی بوردیو نیز که سلیقه (یا ذائقه) را امری شکل‌گرفته توسط موقعیت طبقاتی می‌داند باز هم قائل است که گاهی فرد می‌تواند بر این محدودیت‌ها فائق آید و سلیقه خود را هنرمندانه، یا به‌قول گیدنز فعالانه، پیش ببرد.

۳- زنان در سیاست زندگی، و به نظر ما در سبک‌های زندگی، پیشرو هستند. و این به‌ویژه از اواخر قرن بیستم و در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم شدت گرفته است. زنان نه به نقش‌های سنتی خود قانع می‌شوند و نه محیط مردانه بیرون را می‌پذیرند؛ در عوض، فعالانه درصدد برساختن فضای اجتماعی مورد نظر خود بر اساس سلیقه خود هستند.

مارتین سگالن، جامعه‌شناس فرانسوی، در جمع‌بندی خود از تحقیقات در مورد سبک زندگی در محدوده مسائل زناشویی سه محور را ارائه می‌کند: اول، فضای مسکن (فضای داخلی خانه و تقسیم‌بندی فضاهای خصوصی و فضاهای عمومی و تفریحی داخلی و خارجی)؛ دوم، معاشرت و شبکه روابط خویشاوندی و اتکا در امور و حوادث و تأثیر این روابط بر نوع گذران اوقات فراغت؛ سوم، نوع نگاه و رفتار در مورد اشتغال زنان و تقسیم کار در زندگی

زناشویی (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۱۴، به نقل از سگالن، ۱۳۷۰: ۸۴ و ۲۵۹). در بخشی از پژوهشی که درباره خانواده دریاوردان به سرانجام رسیده، بر محور سوم تمرکز شده است. بر این اساس، فرضیه اصلی این است که زنان در خانواده‌های فصلی دارای حقوق و امتیازاتی هستند که بیش از همین حقوق و امتیازات برای میانگین زنان در جامعه ایران است و زنان دریاورد این امتیاز را مرهون مدیریت خانواده در زمان غیبت همسران خود هستند که، با واژگان گیدنز، شکل خاصی از سیاست زندگی است. بنابراین این فرضیه در سطح توصیفی دنبال شد و آن را با پرسیدن چند سؤال در زمینه اقتصادی و گرفتن تصمیمات خانوادگی آزمون شد که اهم نتایج پژوهش در بخش یافته‌ها تشریح خواهند شد.

روش تحقیق

پژوهش در میان پرسنل دریایی شرکت ملی نفتکش ایران که دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و در سمت‌های: فرماندهی - افسر اول - دوم - سوم - عرشه - سر مهندس و افسران دوم و سوم موتورخانه و افسر برق در دوره‌ای که دریاوردان ذکر شده در محل خدمت (کشتی اقیانوس پیمان) مشغول به خدمت بوده‌اند، توسط ارائه پرسشنامه به همسرانشان انجام گرفته است. همه پاسخگویان دارای سه ویژگی مشترک بوده‌اند:

۱- داشتن ملیت ایرانی؛

۲- تبعیت و سکونت در کشور ایران؛

۳- داشتن زندگی زناشویی با عمر مساوی و بیش از ۲ سال.

داده‌ها با استفاده از آمار استنباطی و توصیفی و بهره‌گیری از نرم افزار آماری Spss مورد پردازش و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در بخش نتایج تحلیلی در راستای سنجش فرضیات از آزمون‌های کای اسکور و آزمونهای همبستگی کندال تای سی استفاده شده است. محقق ۶ فرضیه اصلی خود را با توجه به چهارچوب نظری پایه ریزی شده بر مبنای نظریه مبادله جرج گاسپار هومنز - نظریه کارکردگرایی تالکوت پارسونز - و در حوزه سبک زندگی نظریه بوردی مطرح نموده و با کمک پرسشنامه ای که اعتبار صوری (محتوایی) آن مورد تایید اساتید بوده و بررسی همسازی درونی گویه‌ها جهت بررسی مفهوم (پایایی پرسشنامه) به وسیله ضریب

آلفای کرونباخ /۸۶/سنجیده شده، بعد از مراحل پیش تست به روش تمام شمار در میان جامعه آماری یاد شده اجرا نموده است. انجام تحقیق در دوره زمانی با فاصله ۵ سال در میان همان جامعه آماری با تعداد بیشتر پاسخگویان اطمینان خاطر از یافته‌ها را دو چندان نموده و امکان مقایسه ای را در تغییر نگرشها و ایجاد منش‌های جدید در این جامعه آماری را فراهم ساخته است.

فرضیه‌های اصلی پژوهش شامل موارد زیر است:

- ۱- به نظر می‌رسد جامعه‌پذیری زنان در خانواده‌های فصلی در زمان غیبت همسر در خانواده با مشکل و چالشی روبرو نیست.
- ۲- به نظر می‌رسد زنان در خانواده‌های فصلی دارای حقوق و امتیازاتی هستند
- ۳- به نظر می‌رسد میان میزان و نحوه کسب آگاهی زنان از شرایط این زندگی قبل از ازدواج و کیفیت زندگی زناشویی آینده رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین تعداد فرزند و میزان مشکلات زنان در خانواده‌های فصلی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد مقدار و نحوه امتیازات مبادله شده باعث ارتقای سطح توانمندی زنان در رویارویی با مشکلات می‌شود.
- ۶- به نظر می‌رسد سبک زندگی در خانواده‌های فصلی نوع منحصر به فردی از سبک زندگی دو گانه است.

نتایج و یافته‌های تحقیق

جامعه‌پذیری زنان در خانواده‌های فصلی در زمان غیبت همسر

زنان حتی در غیبت همسرانشان همچنان فعالیت‌های اجتماعی خود را دارند و حتی چه بسا از زنان عادی نیز بیشتر در اجتماع حضور دارند و البته این امر دور از ذهن نیز نیست به علت اینکه وقت آزاد و فراغت این زنان در غیاب همسرانشان بیشتر است و آنها این وقت را به بطالت نمی‌گذرانند و فعالیت‌های اجتماعی دارند.

جدول ۱- توزیع فراوانی برحسب جامعه پذیری زنان

عنوان	فراوانی مطلق	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بالا	۸۶	۵۴/۷	۵۷/۷	۵۷/۷
متوسط	۴۳	۲۷/۳	۲۸/۸	۸۶/۵
پایین	۲۰	۱۲/۷	۱۳/۴	۱۰۰
جمع	۱۴۹	۹۴/۹	۱۰۰	
بی جواب	۸	۵/۰۹		
جمع کل	۱۵۷	۱۰۰		

به نظر می‌رسد زنان دارای حقوق و امتیازاتی هستند

حقوق و امتیازات اقتصادی

دومین فرضیه ای که مد نظر قرار گرفت حقوق و امتیازات ویژه زنان دریاورد است و شامل سه نوع حقوق، اقتصادی، فردی و حقوقی است. همانطور که در جدول زیر پیدا است زنان دریاورد از حقوق و امتیازات اقتصادی بالایی برخوردار هستند، ۴۶/۴ درصد از زنان دارای حقوق اقتصادی بالا، ۲۴/۲ درصد دارای حقوق اقتصادی متوسط و ۱۵/۲ درصد دارای حقوق اقتصادی پایین هستند و نتایج نشان می‌دهد که این زنان از استقلال اقتصادی خوبی برخوردارند.

جدول ۲- توزیع فراوانی برحسب حقوق و امتیازات اقتصادی

عنوان	فراوانی مطلق	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بالا	۷۳	۴۶/۴	۵۴	۵۴
متوسط	۳۸	۲۴/۲	۲۸/۱	۸۲/۱

۱۰۰	۱۷/۷	۱۵/۲	۲۴	پایین
	۱۰۰	۸۵/۹	۱۳۵	جمع
		۱۴	۲۲	بی جواب
		۱۰۰	۱۵۷	جمع کل

حقوق و امتیازات حقوقی

زنان دریانورد از حقوق و امتیازات حقوقی بالایی برخوردار هستند، ۵۷/۹ درصد از زنان دارای حقوق حقوقی بالا، ۲۴/۸ درصد دارای حقوق حقوقی متوسط و ۱۱/۴ درصد دارای حقوق حقوقی پایین هستند و نتایج نشان می‌دهد که این زنان با داشتن حق و کالت در زمینه‌های مختلف از همسرانشان دارای حقوق و امتیازات حقوقی ویژه‌ای هستند و چه بسا بسیاری از زنان در شرایط عادی دارای چنین حقوقی نیستند.

جدول ۳- توزیع فراوانی بر حسب حقوق و امتیازات حقوقی

عنوان	فراوانی مطلق	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بالا	۹۱	۵۷/۹	۶۱/۴	۶۱/۴
متوسط	۳۹	۲۴/۸	۲۶/۳	۸۷/۷
پایین	۱۸	۱۱/۴	۱۲/۱	۱۰۰
جمع	۱۴۸	۹۴/۲	۱۰۰	
بی جواب	۹	۵/۷		
جمع کل	۱۵۷	۱۰۰		

حقوق و امتیازات فردی

زنان دریانورد از حقوق و امتیازات فردی بالایی برخوردار هستند، ۶۸/۷ درصد از زنان دارای حقوق فردی بالا، ۲۰/۳ درصد دارای حقوق فردی متوسط و ۷/۶ درصد دارای حقوق فردی

پایین هستند و نتایج نشان می‌دهد که این زنان با داشتن امتیازات ویژه ای که از شوهرانشان دارند و همچنین استقلال و اعتماد به نفس بالا در اداره کردن زندگی و نگهداری فرزندان به تنهایی از حقوق فردی بالایی برخوردارند.

جدول ۴- توزیع فراوانی برحسب حقوق و امتیازات فردی

عنوان	فراوانی مطلق	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بالا	۱۰۸	۶۸/۷	۷۱	۷۱
متوسط	۳۲	۲۰/۳	۲۱	۹۲
پایین	۱۲	۷/۶	۷/۸	۱۰۰
جمع	۱۵۲	۹۶/۸	۱۰۰	
بی جواب	۵	۳/۱		
جمع کل	۱۵۷	۱۰۰		

ارتباط بین میزان آگاهی زنان از شرایط زندگی، قبل از ازدواج و کیفیت

زندگی زناشویی

سومین فرضیه ای که مد نظر قرار گرفت ارتباط بین میزان آگاهی زنان از شرایط زندگی آنان قبل از ازدواج و کیفیت زندگی زناشویی آنان است و با توجه به جدول زیر زنانی که آگاهی آنان از شرایط بعد از ازدواج آنان بیشتر بود کیفیت زندگی زناشویی آنان نیز بهتر است، همچنین بین «میزان آگاهی زنان از شرایط زندگی آنان قبل از ازدواج و کیفیت زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد» که جهت آزمون فرضیه فوق با توجه به متغیرهای تحقیق، ابتدا برای تعیین وجود رابطه از آزمون کای اسکور دو متغیره و سپس برای تعیین شدت رابطه از ضریب همبستگی کندال تای سی (برای تعیین همبستگی بین دو متغیر رتبه‌ای) استفاده شد.

جدول ۵- توزیع فراوانی برحسب آگاهی زنان

جمع	کیفیت زندگی زناشویی			میزان آگاهی	پایین	f
	بالا	متوسط	پایین			
۲۶	۱	۱۷	۸			

۱۶/۵	۰/۶۳	۱۰/۸	۵/۰۹	%		
۷۵	۲۲	۳۸	۱۵	f	متوسط	
۴۷/۷	۱۴	۲۴/۲	۹/۵	%		
۲۶	۱۹	۳۳	۴	f	بالا	
۱۶/۵	۱۲/۱	۲۱	۲/۵	%		
۱۵۷	۴۲	۸۸	۲۷	f	جمع	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	%		

$$X^2=۳۱/۴۸ \quad df=۴ \quad sig=۰/۰۱ \quad \text{kendall's tau-c}=۰/۳۵$$

با استناد به نتایج جدول فوق و همچنین مقدار $X^2(۳۱/۴۸)$ رابطه آماری معنی داری بین دو متغیر آگاهی زنان از شرایط زندگی اشان قبل از ازدواج و کیفیت زندگی زناشویی با احتمال $۰/۹۹$ و سطح خطای کمتر از $۰/۰۱$ وجود دارد. با توجه به این نتیجه، فرض H_1 مبنی بر معنی داری آماری این رابطه تأیید و در مقابل فرض H_0 تحقیق مبنی بر عدم معنی داری آماری این رابطه رد می شود. از سوی دیگر، مقدار ضریب همبستگی کندال تای سی ($۰/۳۵$) نیز مؤید همبستگی ضعیف و تغییر همزمان دو متغیر آگاهی زنان از شرایط زندگی اشان قبل از ازدواج و کیفیت زندگی زناشویی می باشد. بدین معنی که هرچه آگاهی زنان نسبت به شرایط قبل از ازدواج بیشتر باشد، به همان میزان کیفیت زندگی زناشویی نیز بیشتر خواهد بود. نتایج جدول مربوطه نیز نشانگر همین نتیجه است.

ارتباط بین تعداد فرزند و میزان مشکلات زنان در خانواده‌های فصلی

چهارمین فرضیه ای که مدنظر قرار گرفت ارتباط بین تعداد فرزند و میزان مشکلات زنان است و با توجه به جدول زیر زنانی که تعداد فرزندانشان بیشتر است مشکلات زندگیشان نیز بیشتر است. البته با توجه به یافته‌های جدول توصیفی ۷۲ زنان صرفاً وجود فرزند را عاملی بر

افزایش مشکلات نمودند، ولی تعداد فرزندان را در افزایش مشکلات موثر می‌دانند. شاید همین امر باعث شده است که این خانواده‌ها حداکثر فرزندى که دارند ۲ تا است و معمولاً بیشتر از ۲ فرزند ندارند. همچنین بین «بین داشتن فرزند و میزان مشکلات زنان در خانواده‌های فصلی رابطه معناداری وجود دارد» که جهت آزمون فرضیه فوق با توجه به متغیرهای تحقیق، ابتدا برای تعیین وجود رابطه از آزمون کای اسکور دو متغیره و سپس برای تعیین شدت رابطه از ضریب همبستگی کندال تائسی (برای تعیین همبستگی بین دو متغیر رتبه‌ای) استفاده شد.

جدول ۶- توزیع فراوانی بر حسب ارتباط بین داشتن فرزند و میزان مشکلات زنان

جمع	میزان مشکلات				
	بالا	متوسط	پایین		
۵۷	۰	۶	۵۱	f	ندارند
۳۶/۳	۰	۳/۸	۳۲/۴	%	
۵۵	۹	۱۹	۲۷	f	۱ فرزند
۳۵	۵/۷	۱۲/۱	۱۷/۱	%	
۳۴	۱۸	۴	۱۲	f	۲ فرزند
۲۱/۶	۱۱/۴	۲/۵	۷/۶	%	
۱۱	۹	۲	۰	f	بیشتر از ۲ فرزند
۷	۵/۷	۱/۲	۰	%	
۱۵۷	۳۶	۳۱	۹۰	f	جمع
۱۰۰	۲۲/۹	۱۹/۷	۵۷/۳	%	

$$X^2=37/21 \quad df=6 \quad sig=0/031 \quad kendall's \tau-c=0/42$$

با استناد به نتایج جدول فوق و همچنین مقدار $X^2(37/21)$ رابطه آماری معنی‌داری بین دو متغیر تعداد فرزندان و مشکلات زنان با احتمال $0/99$ و سطح خطای کمتر از $0/031$ وجود دارد. با توجه به این نتیجه، فرض H_1 مبنی بر معنی‌داری این رابطه تأیید و در مقابل فرض H_0 تحقیق مبنی بر عدم معنی‌داری این رابطه رد می‌شود. از سوی دیگر، مقدار ضریب

همبستگی کندال تای سی (۰/۴۲) نیز مؤید همبستگی خوب و تغییر همزمان دو متغیر تعداد فرزندان او مشکلات زنان می باشد. بدین معنی که هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد، به همان میزان مشکلات زنان نیز بیشتر خواهد بود. نتایج جدول مربوطه نیز نشانگر همین نتیجه است.

تغییر میزان توانمندی زنان در قبال گرفتن امتیازات و خدمات از سازمان های ذیربط

پنجمین فرضیه ای که مد نظر قرار گرفت این بود که زنان با گرفتن امتیازات و خدمات مختلف از سوی سازمان های ذیربط می توانند در مقابل مشکلات توانمند تر باشند و مسئولیت پذیری در زمان دوری از همسرانشان را راحتتر قبول نمایند.

جدول شماره ۷- ارائه خدمات از سازمان ها

ارائه خدمات	فراوانی مطلق	درصد معتبر	درصد تجمعی
تأثیر چندانی ندارد	۱۱	۷	۷
قطعاً مؤثر خواهد بود	۱۲۴	۷۹	۸۶
شرکت در قبال ارائه اینگونه خدمات مسئولیت نمی پذیرد	۵	۳/۲	۸۹
نظر خاصی ندارم	۱۷	۱۰/۸	۱۰۰
جمع کل	۱۵۷	۱۰۰	

با توجه به نتایج حاصله از جدول فوق این فرضیه نیز اثبات می شود.

تعداد سال های زندگی مشترک: با توجه به یافته های به دست آمده، ۵۷/۳ درصد پاسخگویان بین ۵ تا ۱۰ سال از زندگی مشترک شان می گذرد. علاوه بر این، ۲۸/۷ درصد کمتر از ۵ سال زندگی مشترک داشته اند و ۱۴ درصد هم بیشتر از ۱۰ سال زندگی مشترک دارند.

وضعیت اشتغال: کمتر از نیمی از پاسخگویان (۳۳/۱ درصد) شاغل هستند و مابقی پاسخگویان همگی خانه دار هستند: ۶۶/۹ درصد. بنابراین، دو سوم پاسخگویان، خانه دار می باشند.

مدرک تحصیلی: بیش از نیمی از پاسخگویان (۶۲/۴ درصد) دارای مدرک کارشناسی هستند، ۱۷/۸ درصد مدرک کارشناسی ارشد، ۹/۶ درصد مدرک کاردانی، ۶/۴ درصد مدرک دیپلم و ۳/۸ درصد هم دارای مدرک دکترا هستند.

تعداد فرزندان: ۳۶/۳ درصد از پاسخگویان فرزندی ندارند، ۳۵ درصد از آنها دارای ۱ فرزند و ۲۱/۷ درصد از آنها نیز دارای ۲ فرزند هستند و سایرین نیز (۷ درصد) بیش از دو فرزند دارند.

انجام امور منزل: در زمان غیبت همسر ۷۰/۱ درصد از افراد خود به تنهایی امور منزل را انجام می‌دهند و ۱۰/۲ درصد کسی را برای کمک استخدام می‌نمایند. ۱۶/۶ درصد از اطرافیان‌شان کمک می‌گیرند و ۱/۹ درصد هم کار خاصی انجام نمی‌دهند و تا بازگشت همسر صبر می‌کنند تا خودش به امور رسیدگی کند. ۱/۳ درصد از افراد هم به این سؤال جواب نداده‌اند.

شرکت در جلسات: در خصوص شرکت در جلساتی مانند جلسات ساختمان، اولیاء و مربیان مدرسه، جلسات کاری و غیره، ۲۸ درصد زیاد در این جلسات شرکت می‌کنند، ۲۶/۱ درصد متوسط، ۲۳/۶ درصد خیلی کم، ۲۱ درصد کم و ۱/۳ درصد هم خیلی زیاد در این جلسات شرکت می‌نمایند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان در این جلسات بطور دائم و مستمر شرکت می‌نمایند.

فعالیت‌های مستمر: در خصوص فعالیت‌های مستمر مانند عضویت در انجمن‌های محلی یا محیط کار و تحصیل، عضویت در سازمان‌های خیریه، شرکت در کلاس‌های ورزشی، هنری، آموزشی، عضویت در یک گروه یا انجمن با فعالیت مشخص و غیره، ۵۱/۶ درصد در کلاس‌های ورزشی، هنری، آموزشی فعالیت دارند، ۲۳/۶ درصد در انجمن‌های محلی یا محیط کار یا تحصیل فعالیت دارند، ۱۴ درصد در یک گروه یا انجمن با فعالیت مشخص و ۱۰/۲ درصد هم در سازمان‌های خیریه فعالیت می‌کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اکثریت پاسخگویان در امور مختلف اجتماعی فعالیت دارند.

ارایه لیست هزینه‌ها: در خصوص ارایه لیست هزینه‌ها به همسر بعد از بازگشت به منزل، ۵۴/۱ درصد بعد از بازگشت همسر، لیست هزینه‌های صورت گرفته را به وی ارائه نمی‌دهند، و ۴۰/۱ درصد ارائه می‌دهند. ۵/۷ درصد هم جواب نداده‌اند.

تمایل به ارایه لیست هزینه‌ها: در خصوص سؤال قبلی که لیست هزینه‌ها را بعد از بازگشت همسر به او ارائه می‌دهید یا خیر، سپس این سؤال پرسیده شد که آیا این کار از روی میل شخصی تان است یا خیر، ۶۸/۲ درصد اظهار داشته‌اند که از روی میل شخصی این کار را انجام داده‌اند، ۲۴/۸ درصد بنابر نظر همسر و ۷ درصد هم بنا به نظر طرفین این کار را انجام می‌دهند.

پس‌انداز شخصی: در خصوص داشتن پس‌انداز شخصی، ۹۱/۷ درصد جواب مثبت داده‌اند و تنها ۸/۳ درصد به این سؤال جواب منفی داده‌اند. بنابراین اکثریت قاطع پاسخگویان پس‌انداز شخصی دارند.

سرمایه‌گذاری شخصی: در خصوص داشتن سرمایه‌گذاری شخصی، ۶۰/۵ درصد جواب مثبت دادند و ۳۶/۹ درصد هم به این سؤال جواب منفی دادند. ۲/۵ درصد هم جوابی به این سؤال ندادند. بنابراین بیش از نیمی از پاسخگویان سرمایه‌گذاری شخصی دارند.

تصمیم برای درآمد شخصی: از میان زنان شاغل، ۶۰ درصد گفته‌اند که خودشان برای درآمد شخصی شان تصمیم می‌گیرند، ۸ درصد به این سؤال پاسخ ندادند، و ۳۲ درصد گفتند که همسرشان برای درآمد شخصی شان تصمیم می‌گیرد.

حق استفاده شخصی از درآمد: ۹۶ درصد پاسخگویان اعلام کردند که حق استفاده شخصی از درآمدشان را دارند و تنها ۴ درصد پاسخگویان این حق را ندارند.

درصد ثبت قانونی اموال: در پاسخ به این سؤال که همسران به طور قانونی چند درصدی از مالکیت اموال موجود در زندگی مشترک را به نام شما کرده است، ۳۹/۵ درصد زنان اظهار کردند که ۵۰ درصد اموال به نام ایشان است، ۲۴/۲ درصد بیش از ۵۰ درصد اموال را به نام خود دارند، و ۱۷/۲ درصد کمتر از ۵۰ درصد اموال را. ۱۹/۱ درصد نیز هیچ مالی به

نام‌شان نشده است، ولی این تعداد از درصد کسانی که اموال به نام‌شان شده است خیلی کمتر است و این نشان دهنده وجود امتیازات حقوقی و اقتصادی زنان در خانواده‌های فصلی است.

قدرت مانور اقتصادی: در خصوص این سؤال که در زمان غیبت همسران تا چه حد اجازه حرکت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خارج از برنامه تعیین شده را دارید، ۵۲/۲ درصد گفته‌اند که به طور نامحدود اختیار دارند، ۱۹/۸ درصد اختیارات با محدودیت و مشروطیت دارند و ۱۴ درصد هم هیچ اجازه‌ای ندارند. همچنین ۱۴ درصد هم خودشان هیچ مسئولیتی را قبول نکرده‌اند. پس بطور کلی ۲۸ درصد زنان فاقد قدرت مانورهای اقتصادی و ۷۲ درصد به نحوی صاحب این قدرت هستند.

مصارف خانواده در حوزه فرهنگی: رفتن به سینما و تاتر و بازدید از موزه‌ها در هر دوره (حضور و عدم حضور دریاورد) با حداقل ۳۰٪ وجود دارد. ۳۵/۶ درصد زنان بطور مستمر در یک ارگان خیریه فعالیت داشته و ۳۱/۱ در کلاسهای مرتبط با حوزه فرهنگ حضور فعال و مستمر دارند. ارزشهای انسانی با ۵۲ درصد در اولویت خانواده قرار دارد. بطور میانگین ۷۰ درصد خانواده‌ها بیشترین بخش هزینه‌هایشان متعلق به خرید محصولات فرهنگی و هزینه تحصیل خانواده است.

در حوزه مدیریت بدن و امور تغذیه: ۳۶/۴ درصد زنان شبها زود میخوابند و صبح‌ها زود بیدار میشوند و ۲۷/۳ درصد علی‌رغم دیر خوابیدن صبح‌ها زود بیدار میشوند بالای ۵۰ درصد زنان برنامه غذایی و ورزشی مشخصی برای خود دارند و در زمان حضور دریاورد با ۳ درصد افت این برنامه مشخص را دنبال میکنند. ۴۰ درصد در حل مشکلات روحی خود از مشاورین و روانشناسان کمک می‌گیرند و بالای ۶۰ درصد از غذاهای خانگی با توجه به سلامت مواد غذایی استفاده میکنند. مصرف دخانیات با فراوانی ۲٪، قلیان ۵٪ - نوشیدنی‌های الکلی ۹٪ - داروهای ضد افسردگی و آرامبخش‌ها ۱۰٪ گزارش شده است.

در حوزه حیطة مصرف: ۶۰ درصد خانواده‌ها مایحتاج ماهانه منزل خود را طبق لیست مشخص خریداری می‌نمایند و تنها ۱۰ درصد صرفاً به منظور تفریح و سرگرمی به خرید می‌روند.

شاخص‌های گذران اوقات فراغت: به ترتیب میزان کاربرد در بین خانواده‌های فصلی مطالعه - دید و بازدیدهای فAMILI و دوستانه - مسافرت‌های هدفمند - دنبال کردن اخبار و حوادث روزانه جامعه - و شرکت در کلاس‌های مختلف فرهنگی و هنری و اجتماعی عنوان شده است.

پاسخ به سوال اصلی پژوهش

چالش‌های زنان در خانواده‌های فصلی با جامعه و تفاوت سبک زندگی زنان در این گروه اجتماعی نوظهور چیست؟

در رده بندی چالش‌های زنان در قالب یک خانواده فصلی در ارتباط با جامعه ای که در آن زندگی می‌کنند، باید به این مسئله توجه داشت که فرد دریانورد در فصل دوری از خانواده، مانند فردی است که در دنیای دیگری تنها بوسیله سیستم‌های ارتباط دهنده تکنولوژیک به افراد خانواده خود متصل است و نمی‌توان انتظار هیچ‌گونه حضور فیزیکی و قابل لمسی را تحت هر شرایطی از وی در صحنه حل مسائل و چالش‌های خانوادگی داشت. این در حالی است که شخص دریانورد خود در طول این مدت تحت شرایط خاصی در چالش با معضلات و مسائل پیچیده کاری و موقعیت حرفه ای خود است و بعضاً حتی انتظار همدلی و هم‌فکری داشتن از وی نیز بیهوده است، ناگفته پیداست که در چنین شرایطی هر گونه تندباد و شرایط نامناسب جوی اجتماعی میتواند بر چهارچوب نظام اصلی خانواده که در موازات شرایط اجتماعی واقع شده، تاثیری یکسان و همه جانبه بگذارد. پس می‌توان ادعا کرد که تک تک چالش‌ها در این نوع از زندگی اجتماعی می‌تواند مهمترین نوع و تاثیرگذار ترین باشد، اما با تکیه بر یافته‌های آماری پژوهش و مستندات فرضیات بر آنیم تا با حفظ نگاه ویژه مان بر نقش و عملکرد زنان در این نوع جدید از خانواده، شاید شایع ترین و مشخص ترین چالش‌ها را مطرح کنیم. به نظر می‌رسد اصلی ترین چالش‌های زنان در حفظ نظام خانواده با توجه به پیاده کردن سیستم کارکردی AGIL پارسونز، نحوه نقش آفرینی و مسئولیت

پذیری هایشان در اجرای این سیستم باشد.^۱ آمار مثبت بدست آمده از سازگاری زنان با محیط جامعه و ثابت شدن فرضیه جامعه‌پذیری بدون خلل آنان در خانواده‌های فصلی، نتیجه مستقیم، مقابله و مدیریت چالش‌های موجود در این بخش توسط زنان بوده است.

چالش مداوم زنان با شرایط احساسی خود در دوران غیبت همسر قابل توجه و تامل است.^۲ با توجه به ساختار خانواده و تجربه متناوب فصل دوری همسر برای دو دوره متوالی در سال، زنانی که با کوله باری از مسئولیت‌های مختلف و نقش آفرینی‌های رنگارنگ روزانه قصد هدایت خانواده خود را در زمان غیبت همسر دارند، بدون داشتن پایگاه احساسی قابل لمس و در دسترس، قطعاً کمبودها و نقصان‌های زیادی را تجربه خواهند کرد. احساس نیاز در قالب زندگی زناشویی محور اصلی است که می‌توان بر پایه آن روابط مختلف درون خانواده را تعریف و توصیف نمود.

در فصل کاری و غیبت همسر به دلیل ساختار کاری و شغلی دریاورد زنان با نیازهای گوناگون عاطفی-روانی-جسمی-و خنسی بدون پاسخ و حتی سرکوب شده روبرو خواهند بود که بی پاسخی و سرکوبی هر یک از این نیازها در صورت عدم کنترل و مدیریت صحیح با تکیه بر توانایی‌های شخصیتی و آموزش‌های مناسب از جانب زنان می‌تواند نقطه انفجار قابل توجهی در کانون خانواده به حساب آید. عدم تحمل و توانایی زن در مدیریت احساسات و بالا بردن سطح آگاهی و توانایی‌های شخصیتی وی در این دوران به راحتی می‌تواند وی را در معرض گرفتاری در ورطه بیماری‌های روحی و روانی و یا مرداب فسادهای رفتاری-اخلاقی-اجتماعی قرار دهد.^۳

با توجه به آرای صاحب‌نظران می‌توان گفت که زنان در خانواده‌های فصلی بطور دائم و مستمر با مفهوم "خود" و "من" در چالشند و عملکردشان در صحنه خانواده و اجتماع در واقع نتیجه حل و یا بی‌پاسخ ماندن این چالش خواهد بود.^۵

۱ نتایج آماری استخراج شده در جهت اثبات فرضیه ۱

۲ نتایج آماری استخراج شده از پرسشهای ۳۲ الی ۵۲ پاسخنامه پژوهش

۳ نتایج آماری استخراج شده از پرسشهای ۳۷ الی ۴۱ و ۴۴ الی ۴۸ و ۶۹ الی ۷۱

۵ نتایج آماری استخراج شده از پرسشهای ۴۰-۴۱ و ۶۷ و ۶۸

با توجه به یافته‌های آماری پژوهش داشتن کیفیت مطلوب و تعاملات رضایت بخش زناشویی برای زنان می‌تواند نکته مثبتی باشد که در طول زندگی خانواده فصلی در جریان است، اما بهره‌مندی و استفاده از چنین جریان خروشان و دلپذیری در جهت بارور کردن ذهن بایر و سیراب نمودن لحظات کویری دلتنگی دوری همسران از یکدیگر، مقوله ای جدا و چالشی دیگر برای زنان خواهد بود. برقرار نمودن ارتباط احساسی مناسب با همسر، نحوه ابراز محبت و مدیریت روابط زناشویی در مسیری که بطور مکرر و متناوب با گسستگی و ایجاد فاصله روبروست می‌تواند چالشی بحث‌انگیز و حتی تهدید کننده به شمار آید.

وجود تمام امتیازات اثبات شده و اعطا شده به زنان بنا به ضرورت نحوه زندگی فصلی و یا حتی از روی دیدگاه و آگاهی و میل باطنی دریاورد در تفیید اینگونه امتیازات به همسرانشان بحث چالش‌انگیز نحوه حفظ و بهره‌گیری از این موارد برای زنان در پیش خواهد بود. مثلما نحوه بهره‌برداری و بکارگیری این مقوله در کیفیت حیات اجتماعی زنان بسیار تاثیر گذار خواهد بود. حفظ جایگاه خانوادگی و درک پایگاه و اقتدار نا مانوس یک زن در شرایط متعارف جامعه می‌تواند وی را در مسیر آماج تیر نا آگاهان و بعضاً بیماران اخلاقی یک خانواده و حتی جامعه قرار دهد.

زنان در خانواده‌های فصلی باید اهمیت و دلایل برخوردار بودن از اینگونه امتیازات و ویژگی‌ها را به خوبی درک نمایند و از این موقعیت در جهت ارائه هر چه بهتر مسئولیت‌ها و ایفای نقشهای چند گانه شان استفاده بنمایند. مضاف بر این که این موقعیت می‌تواند نردبانی باشد در جهت بالا بردن موقعیت و جایگاه اجتماعی-خانوادگی زن. هوشیاری و دقت نظر دائمی از جانب زنان در هدایت تک تک افراد خانواده در مسیری هدفمند و صحیح با استفاده از امتیازات و ویژگی‌های بدست آمده، هر گونه تصمیم‌گیری زنان را در خانواده فصلی بطور متناوب به چالش می‌کشد.

حفظ موقعیت و مراقبت دائمی در پیوسته ماندن ارتباطات تک تک افراد خانواده در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف فردی-اجتماعی-خانوادگی-عاطفی از دیگر چالش‌های دائمی

زنان است. جامعه پذیری فرزندان در اجتماع برگرفته از توانایی‌هایی است که در بستر خانواده کسب شده است، هرگونه اغماض یا اشتباه از جانب خانواده می‌تواند آینده‌ای برگشت‌ناپذیر را برای یک فرد جدید در اجتماع رقم بزند. وجود دو اهرم نیرومند پدر و مادر در همکاری و همگامی با یکدیگر می‌تواند چرخ ذهن کودک را در جهت راه یابی به آینده‌ای روشن به حرکتی مثبت و سازنده هدایت و تقویت بنماید. با توجه به چنین تعریفی انتظار می‌رود فرزندان در تمام خانواده‌ها در مسیری مناسب و صحیح حیات اجتماعی خود را دنبال نمایند، برخوردار ساختن فرزند(ان) از شرایط سالم و مناسب روحی-روانی-جسمی-عاطفی و مجهز کردن آنان به آگاهی و توانایی در جهت متعادل کردن شرایط زندگی‌شان در بستر اجتماعی متعارف و معمول از جمله چالش‌های دائم یک مادر در خانواده فصلی است.

زمان فرزندآوری برای زنان در این خانواده‌ها همواره تحت تاثیر شرایط کاری در یانورد است^۱ علاوه بر آن تعداد فرزندان-فاصله سنی بین فرزندان و حتی تاثیر جنسیت فرزندان در چگونگی ایفای نقش زنان در خانواده فصلی از مواردی است که بطور نا محسوس اما بسیار جدی توسط شرایط حاکم متأثر از شغل در یانورد کنترل و هدایت می‌شود.^۲

چگونگی رویارویی با برخوردهای نامناسب و بعضاً بدور از قضاوت صحیح، ناشی از عدم آگاهی گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه^۳ از جمله موج‌هایی است که هر لحظه می‌تواند ساحل امن حیات اجتماعی یک زن در خانواده فصلی را طوفانی و نا آرام سازد. هدفمند سازی اوقات فراغت-تبدیل کردن چالش‌ها به فرصت‌ها و حتی بهره‌مندی از آنچه در ذهن دیگران محرومیت و نقصان است، برای یک زن در خانواده فصلی مانند حفظ علائم حیاتی برای بقاء زندگی خانوادگی ضروری و قابل اهمیت است. ارائه نقش در زمینه‌ای که پر از موقعیت‌های مناسب برای به تصویر کشیدن گل موفقیت‌هاست، کاری است که اغلب زنان در چهارچوب نظام خانوادگی معمول یک اجتماع انجام می‌دهند و شاخص نا نوشته‌ای است برای ثبت میزان موفقیت و سعادت‌مندی یک خانواده. اما آنچه صحنه زندگی خانواده فصلی را گلباران پیروزی

۱ نتایج آماری استخراج شده از پرسشهای ۷۳ و ۷۵

۲ نتایج آماری استخراج شده از پرسشهای ۷۲ الی ۷۵ و ۶۵

۳ نتایج آماری استخراج شده از پرسشهای ۶۹ و ۷۰

می‌کند، استفاده زنان از موقعیت‌های پنهان و نا دیده انگاشته شده از دید همگان است. تبدیل زمانی از دست رفته به زمان شکوفایی و رشد و بالندگی است. برداشت محصول هفتاد دانه از بستری است که بینندگان آن را مرداب و بایر می‌بینند و از کنار آن به سادگی عبور می‌کنند.

جنبش‌های مختلف زنان که از اوایل قرن بیستم پدیدار شدند توانسته‌اند تغییر محسوسی در شرایط زندگی زنان ایجاد کنند. اما این باعث خرسندی کامل زنان نشده است. زنان هر روز در پی کسب حقوقی هستند که صدها سال در سایه جوامع مردسالار از ایشان دریغ شده بود. با این وجود، هنوز تا رضایت زنان راه درازی در پیش است چرا که فعالان حقوق زنان روز به روز موارد تازه‌ای را گوشزد می‌کنند که تا کنون مغفول مانده بودند.

از طرفی، در مدرنیته متأخر، مفاهیم مصرف و منزلت و سبک زندگی اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند. اگر در جامعه‌ای که مارکس زندگی می‌کرد هنوز عمده‌ترین تفکیک‌ها بر اساس اقتصاد و شرایط عینی زندگی صورت می‌گرفت؛ ویراز این حقیقت پرده برداشت که بخش قابل توجهی از نظام تفکیک و قشربندی اجتماعی ریشه در منزلت‌ها دارد- منزلت‌هایی که نه حول نظام تولید بلکه حول مصرف سامان می‌یابند. در این قشربندی منزلتی، که البته کاملاً هم مستقل از اقتصاد نیست، افراد بر اساس پنداشت‌های ذهنی و همچنین مصرف کالاها و نشانه‌ها طبقه‌بندی می‌شوند.

بورديو نظام قشربندی و بر را توسعه داد و علاوه بر آن نشان داد سلیقه ما چگونه از شرایط عینی که در آن زیست کرده‌ایم نشأت می‌گیرند. در فرایندی که بورديو تمایز می‌نامدش، عادت‌واره‌های هر طبقه و پاره طبقه تمایزهای معناداری با طبقات و پاره طبقات دیگر دارد. این تمایزها را می‌توان در ورزش‌های مورد علاقه برای انجام یا تماشا، مصرف فیلم و روزنامه، نوع خوراک و پوشش، و غیره مشاهده کرد. آن چه نهایتاً بورديو را برجسته می‌سازد، مخالفت او با ذاتی دانستن استعداد زیبایی‌شناختی است.

برعکس بورديو که بیشتر بر جنبه‌های بازتولیدی سلیقه تأکید می‌کند، آنتونی گیدنز تلاش می‌کند قدرت عاملیت کنشگران را در چارچوب‌های زندگی روزمره نمایان کند. وی در قالب اصطلاح سیاست زندگی این طور سخن می‌گوید که در چارچوبی از وضعیت‌های موجود، عاملان قادرند راهبردهایی اتخاذ کنند و دست به انتخاب‌هایی بزنند که در جهت تحقق

خودشکوفایی فردی و رسیدن به خواسته‌های فرد باشد. علاوه بر این، گیدنز دانشجویان و زنان را پیشروان سیاست زندگی می‌داند و برای زنان نقش حتی پررنگ‌تری قائل است. ما در این پژوهش، روی نقش متفاوت زنان در نوع خاصی از خانواده فصلی تمرکز کردیم. نتایج پژوهش تأییدکننده نظریات گیدنز است. زنان خانواده‌های دریانورد، در چارچوب شرایطی که برای‌شان فراهم است به شکلی سیاست زندگی را فعال کرده‌اند که مستقل‌تر و پررنگ‌تر از هم‌جنسان خود در تصمیم‌گیری‌های شخصی و خانوادگی ظاهر می‌شوند. موارد زیر، نکات برجسته‌ای هستند که تمایز سبک زندگی یا سیاست زندگی زنان دریانورد را نشان می‌دهد:

۷۰ درصد این زنان، تمام امور منزل را به‌تنهایی انجام می‌دهند.

بیش از نیمی از این زنان، در جلسات و انجمن‌های گوناگون حضور مستمر دارند.

تنها ۴۰ درصد از این زنان، لیست هزینه‌کرد خانواده در زمان غیبت شوهر را پس از ورود شوهر به اطلاع وی می‌رسانند و از همین افراد نیز تنها ۲۵ درصدشان این کار را بنا بر اراده همسر انجام می‌دهند. ۶۸ درصد از این افراد، ارایه لیست را کاملاً به اراده خود انجام می‌دهند. بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان پس‌انداز شخصی دارند. بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان درآمد یا پس‌اندازشان را سرمایه‌گذاری شخصی می‌کنند. ۹۶ درصد شاغلین حق دارند برای درآمد شخصی‌شان تصمیم بگیرند و عملاً ۶۰ درصد آن‌ها خودشان به‌تنهایی برای این درآمد تصمیم می‌گیرند.

و جالب‌ترین یافته‌های این پژوهش: بیش از نیمی از زنان، در زمان غیبت همسر، قدرت مانور اقتصادی نامحدود دارند، و بیش از نیمی از املاک خانواده به نام زنان است. نحوه گذران اوقات فراغت بر اساس تمایل و علایق شخصی زنان صورت می‌گیرد و وجود دوره زمانی عدم حضور دریانورد به عنوان فرصت مناسبی برای پرداختن به خود از جانب زنان مطرح شده است. زنان خانواده خود را حتی در زمان عدم حضور دریانورد خانواده شادی ارزیابی نموده و رضایتمندی احساسی خود را از نحوه ابراز محبت همسر، با درصد بالای ۹۰ درصد اعلام نموده‌اند.

مجموعاً این وضعیت منزلتی زنان دریانوردان را در وضعیتی یا خودانگاره مثبت قرار داده است. در پاسخ به این سؤال که قضاوت اطرافیان تان در مورد شما چگونه است، ۷۷/۷ درصد گزینه یک زن توانا با نگرش مثبت، ۱۶/۶ درصد گزینه یک زن وابسته به دیگران و ۵/۱ درصد یک زن تنها و قابل ترحم را انتخاب نموده‌اند. و در پاسخ به سؤال میزان احساس رضایتمندی از قضاوت دیگران، ۲۴/۲ درصد گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند، ۴۳/۳ درصد گزینه زیاد، ۲۸/۷ درصد خیلی زیاد و ۳/۲ درصد هم کم را انتخاب نموده‌اند. می‌بینیم که بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان احساس رضایتمندی خود از قضاوت دیگران درباره خودشان را زیاد می‌دانند.

مهم‌ترین نکته مثبت ازدواج با یک دریانورد دانستند، ۱۳/۴ درصد امکان تجربه آموزی و دیدن دنیا، ۲۴/۸ درصد متفاوت بودن روش زندگی، ۵/۷ درصد داشتن وقت برای در انتها از زنان دریانوردان درباره نکات مثبت زندگی با دریانوردان پرسیدیم که این گونه پاسخ دادند: ۴۰/۱ استقلال زنان را سرگرمی‌های شخصی و ۱۵/۹ درصد هم رفاه مالی را بیان کردند.

راهکارها و پیشنهادات

۱- پیشنهادات بر اساس نتایج آماری تحقیق

۱- فرهنگ سازی و دادن آگاهی نسبت به شغل دریانوردی و شرایط خانواده‌های فصلی توسط رسانه‌های مختلف جمعی و اجتماعی می‌تواند بستر مناسبتری برای حیات اجتماعی آنان فراهم سازد. همچنین این طرح زمینه را برای ازدواج و انتخاب همسر برای هر دو گروه دریانوردان و زنان مهیا تر و راحت تر خواهد نمود.

۲- با توجه به یافته‌های جداول شماره ۵۹-۶۰ دادن و کالت پزشکی در مورد افراد خانواده به زن از جانب دریانورد برای تمام خانواده‌های فصلی توصیه می‌شود.

۳- شرکت ملی نفتکش ایران با سرمایه گذاری و مدیریت صحیح در راستای برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاهی به منظور بالا بردن سطح آگاهی و ارتقاء سطح توانمندی روحی و روانی زنان با توجه به آمادگی آنان برای شرکت در اینگونه جلسات به خوبی می‌تواند مشکلات و چالش‌های خانوادگی کارمندان خود را که باعث پایین آمدن بهره کاری

آنان می‌شود، کنترل و هدایت کند. با توجه به نتایج بدست آمده پیش بینی می‌شود اجرایی شدن چنین پیشنهاداتی نتایج مثبتی را به نفع هر دو گروه (خانواده‌های فصلی و شرکت ملی نفتکش ایران) در بر داشته باشد. قطعاً باز خورد مثبت آن متوجه جامعه نیز خواهد شد.

۴- با توجه به ابراز تمایل زنان به داشتن روابط درون گروهی پیش بینی می‌شود در صورت ایجاد بستر و زمینه مناسب از طرف نهاد حمایتگر مانند برگزاری جشنها-مناسبتها-همایشهای گروهی و خانوادگی برای برخورد خانواده‌ها با یکدیگر و ایجاد زمینه آشنایی زنان با یکدیگر، برقراری ارتباط درون گروهی و الگو برداری زنان از توانمندی‌های یکدیگر، موجبات ارتقای سطح کیفی زندگی خانواده‌های فصلی در زمان غیبت دریانوردان خواهد شد.

۵- ارائه خدمات از طرف نهاد حمایتگر که مختص زنان باشد مانند ایجاد امکانات در جهت بهره مند شدن زنان از امکانات ورزشی-تفریحی-آموزشی-زیارتی و یا تشکر و قدردانی از زنان در مناسبتها و اعیاد خاص و ویژه، و یا اختصاص دادن بخشی از فصلنامه تخصصی شرکت ملی نفتکش ایران به زنان و چالش‌های آنان می‌تواند موجبات بالاتر رفتن میزان انگیزش و دلگرمی آنان شده و متعاقباً هر دو گروه در گیر را بهره مند سازد.

۶- لزوم ارائه خدمات ویژه توسط بخش مددکاری شرکت ملی نفتکش ایران در جهت ارتقای سطح آگاهی زنان قبل از ازدواج از شرایط کاری و زندگی آینده شان و فرهنگ سازی برای دریانوردان در جهت استفاده از اینگونه خدمات به خوبی احساس می‌شود. این خدمات می‌تواند شامل تهیه بروشورهای آموزشی-خبری- با محتوای توضیح در مورد شرایط کاری- زندگی دریانوردان و یا معرفی الگوهای موفق زندگی خانوادگی در میان این مجموعه باشد.

۷- با توجه به نتایج جدول ۳۷، و اعتقاد درصد قابل توجهی از زنان به مورد تهدید واقع شدن سلامتیشان توسط بیماریهای روحی و روانی به دلیل شرایط کاری همسر، لزوم ارائه آموزشهای مهارتی در زمینه مدیریت زمان و کنترل استرس- اضطراب- بصورت تخصصی و وجود خدمات مشاوره ای روان شناسی و مددکاری قوی و فعال در شرکت ملی نفتکش ایران ضروری است.

۲- راهکارها و پیشنهادات برای تحقیقات آتی

۱- هر یک از فرضیه‌های تحقیق انجام شده در هر یک از فصول زندگی، خانواده‌های فصلی می‌تواند بستر مناسبی برای پژوهش و دستیابی به نتایج تازه و مستدل علمی باشد.

۲- پژوهش‌های دو سویه (بررسی عوامل مربوط به زنان و دریانوردان) و بررسی تاثیرگذاری آنها بر یکدیگر در هر یک از فصول زندگی خانواده‌های فصلی می‌تواند گامی موثر باشد در جهت روشن تر شدن آینده این گروه اجتماعی.

بررسی شرایط و چالش‌های دریانوردان با خانواده‌های خود، بررسی انتظارات و نوع نگرش دریانوردان به زندگی خانوادگی از جمله پیشنهاداتی است که پژوهشگر امیدوار است نظاره گر به بار نشستن نتایج و آثار مثبت آن در خانواده‌های فصلی باشد.

منابع

- ۱- استونر (راب): «متفکران بزرگ جامعه شناسی» ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز، ۴۹۵ص، چاپ اول ۱۳۷۹.
- ۲- آزاد ارمکی (تقی): «جامعه شناسی خانواده ایرانی» تهران، سمت ۱۶۷، ۱۳۸۶ص، چاپ اول ۱۳۸۶.
- ۳- اعزازی (شهلا): «جامعه شناسی خانواده: با تاکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر» تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۲۲۸ص، چاپ پنجم ۱۳۸۶.
- ۴- برنارد (جان): «درامدی بر مطالعات خانواده» ترجمه: حسین قاضیان، تهران، نشرنی، چاپ اول ۱۳۸۴، ۴۰۸ص
- ۵- بهنام (جمشید): «تحولات خانواده-پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی کوناگون، ترجمه: محمد جعفر پوینده، تهران، نشر ماهی ۲۸۳، ۱۳۸۴ص، چاپ دوم ۱۳۸۴.
- ۶- بووار (سیمون دو): «جنس دوم»، ترجمه قاسم صنعوی (ویرایش دوم)، تهران، توس، دوره دو جلدی، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
- ۷- ریتزر (جرج): «نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر»، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، ۶۹۴ص، چاپ پنجم ۱۳۸۰.

- ۸- ۱۱- ساروخانی (باقر): «مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده» تهران، انتشارات سروش ۲۹۴، ۱۳۷۵، چاپ یازدهم، آذر ۱۳۸۸.
- ۹- ۱۲- ساروخانی (باقر): «روشهای تحقیق در علوم اجتماعی» دوره سه جلدی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ویراست جدید چاپ سیزدهم ۱۳۸۶.
- ۱۰- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰)، «تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی»، تهران، نشر ثالث.
- ۱۱- رحمتی، محمدمهدی و بخشی، سعادت (۱۳۹۴)، «سبک زندگی و الگوی مصرف، مورد مطالعه: تلفن همراه»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هشتم، شماره ۴، زمستان، صص ۱۴۲-۱۱۹.
- ۱۲- زیمل، گئورگ (۱۳۷۳)، «پول در فرهنگ مدرن»، ترجمه یوسف اباذری، مجله ارغنون، شماره ۳، صص ۳۳۸-۳۲۵.
- ۱۳- زیمل، گئورگ (۱۳۷۲)، «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، ترجمه یوسف اباذری، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، صص ۶۶-۵۳.
- ۱۴- سگالن، مارتین (۱۳۷۰)، «جامعه‌شناسی تاریخی خانواده»، ترجمه مجید الیاسی، تهران، نشر مرکز.
- ۱۵- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، «مصرف و سبک زندگی»، قم، انتشارات صبح صادق.
- ۱۶- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، «تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید»، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ ششم، تهران، نشر نی.
- ۱۷- مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷)، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، بهار ۱۳۸۷، شماره ۱، صص ۲۳۰-۱۹۹.
- ۱۸- وبر، ماکس (۱۳۸۷)، «دین، قدرت، جامعه»، چاپ سوم، تهران، انتشارات هرمس.
- ۱۹- وبلن، تورستین (۱۳۸۶)، «نظریه طبقه تن آسا»، ترجمه فرهنگ ارشاد، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
- ۲۰- مشیدی، پگاه (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناسی خانواده فصلی / پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران چاپ نشده.

